irannewspaper.ir

• سه‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۱۴۹
• اذان ظهر ۱۲/۱۴ • اذان مغرب ۱۸/۲۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۱ • اذان صبح فردا ۴/۵۲ • طلوع آفتاب فردا ۶/۱۶

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** کمیل نقی‌پور
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی) آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)

علی کاکا دزفولی (سیاست) • فرناز قلعه‌دار(حوادث) اسماعیل علوی (پایداری) • لیدا فخری(اندیشه) محمدرضا عزیزی(گزارش) • زهرا کشوری (زیست‌بوم) سعید زاهدیان(ورزشی) مهدی کلهرنژاد(اجرایی) حجت حکیمی(صفحه‌آرایی) • محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه‌های شسته،
باران خورده، پاک
عطر نرگس، رقص باد
نغمه شوق پرستوهای شاد
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار

فریدون مشیری

سخن روز

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن روز منتظر فرج [ظهور قائم آل محمّد صلی‌الله علیه و آله و سلم] هستیم؛ چرا که نوروز از روزهای ما و شیعیان ما است.» /الوسائل، ج ۶، ص ۳۵۲

نگاره

فصل همدلی

احمدرضا سهرابی
طراح و کارتونیست

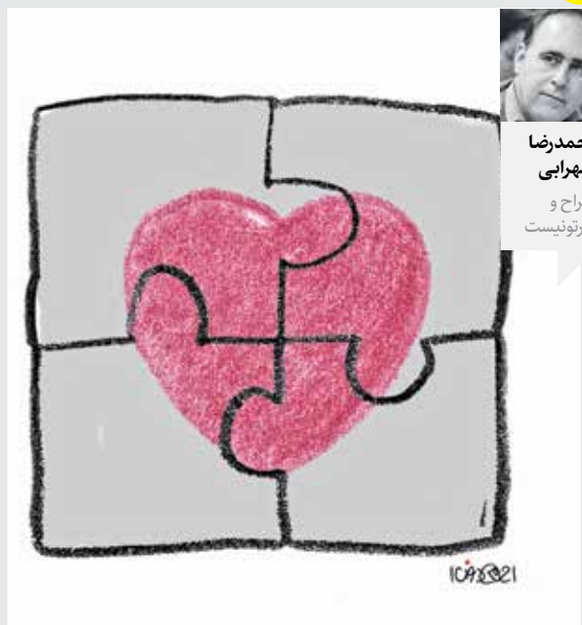

فضای مجازی

یادی از علی معلم، اکران آنلاین فیلم سینمایی «بانک‌زده‌ها»، انتشار فیلمنامه مجموعه «کوچک جنگلی» و جایزه انیمیشن کوتاه «پیش از بهشت» در جشنواره کرکوک از جمله مهمترین عناوین اخبار فرهنگ وهنر در فضای مجازی است که با هم می‌خوانیم.

یاد

امروز مصادف است با سالروز درگذشت علی معلم، کارگردان و بازیگر سینما و تلویزیون. او علاوه بر هنر بازیگری، نویسنده، منتقد و ناشر هم بود. همکاری‌اش با مطبوعات در مقام نویسنده و منتقد را از سال ۱۳۶۴ با نشریات سروش وکیهان فرهنگی آغاز کرد و عضو شورای تحریریه نخستین دوره مجله فرهنگ و سینما بود. از سال ۱۳۷۱ با تأسیس نشریه تخصصی و ماهانه دنیای تصویر به عنوان صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر فعالیت در حوزه ادبیات سینمایی را وسعت بخشید. دنیای تصویر اکنون از نشریات معتبر تخصصی و پرتیراژترین مجله سینمایی ایران است که نویسندگان و منتقدان برجسته سینما در آن فعالیت دارند. معلم در تلویزیون از سال ۶۸ به اجرا پرداخت و از سال ۸۰ هم تهیه کنندگی را با فیلم شوکران شروع کرد. یاد و نام این هنرمند گرامی باد.

سینمای آنلاین

در آخرین جمعه سال ۱۴۰۱، پلتفرم فیلم نت اکران آنلاین خود را با فیلم «بانک‌زده‌ها» راه‌اندازی می‌کند. به گزارش ایسنا، فیلم سینمایی «بانک‌زده‌ها» به کارگردانی جواد اردکانی و علی بکائیان از جمعه ۲۶ اسفندماه در این پلتفرم اکران آنلاین می‌شود و در گام‌های بعد، دیگر فیلم‌های روز سینمای ایران عرضه می‌شوند. این فیلم کمدی که به مسائل روز جامعه می‌پردازد با فیلمنامه‌ای از جواد اردکانی و زهرا اردکانی ساخته شده است. در «بانک‌زده‌ها» بازیگرانی چون نسرین مقانلو، قاسم زارع، میرطاهر مظلومی، زنده یاد علی انصاریان، بیژن بنفشه‌خواه، الناز عبدی، مسعود محمودی و سحر قریشی نقش‌آفرینی کرده‌اند. «بانک‌زده‌ها» یکی از آخرین فیلم‌های زنده‌یاد علی انصاریان بازیگر و بازیکن سابق فوتبال بود. تهیه‌کنندگی این فیلم برعهده علی روئین‌تن است که سابقه ساخت آثاری چون «دل‌شکسته» و «زمهریر» را به‌عنوان کارگردان در کارنامه دارد.
در خلاصه داستان «بانک‌زده‌ها» چنین آمده است: «زدم، زدی، زد؛ زدیم، زدید، خورد... اما برای ما مشخص نیست کسانی بانک زده‌اند یا بانک آنها را زده است. چه بزن بزنی است و چه بزن بزنی باید باشد در بانک‌زده‌ها و ما خودمان هم حیرانیم. به همه گفتیم زدیم شمام بگید زدن. تو بزن تا من برقصم با رنگ گروه بی‌تی‌اس.» فیلم «بانک‌زده‌ها» از ۲ شهریور ۱۴۰۱ به نمایش عمومی در آمد.

بازار نشر

بعد از ۴۰ سال فیلمنامه مجموعه «کوچک جنگلی» به قلم ناصر تقوایی منتشر شد. به گزارش ایسنا، فیلمنامه سه‌جلدی «کوچک جنگلی» به قلم ناصر تقوایی نویسنده، فیلمساز و عکاس پیشکسوت توسط نشر مس منتشر شده است. ناشر در معرفی این کتاب نوشته است: «این کتاب فیلمنامه‌ای است که در سال‌های ۵۹ و ۶۰ به جهت تولید یک مجموعه تلویزیونی ۱۵قسمتی توسط ناصر تقوایی پژوهش شده و به نگارش درآمده است؛ اما پس از سه سال کوشش در مرحله پیش‌تولید توقیف شد و هرگز به اجرا نرسید. مجوز کتاب سه‌جلدی «کوچک جنگلی» در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۰ از اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده و در اواخر شهریور ماه سال جاری منتشر و آماده پخش بوده است، اما به دلیل شرایط جامعه پخش آن به تأخیر افتاد. آماده‌سازی و نسخه‌خوانی کتاب بیش از چهار سال وقت برده و انتشار آن با مشکلاتِ دوران کووید ۱۹ و کمبود کاغذ روبه‌رو شد و در نهایت به کوشش نشر مس به انجام رسید. این کتاب هم‌اکنون در کتابفروشی‌های سراسر ایران در دسترس است و همچنین امکان خرید آنلاین در سایت شخصی ناصر تقوایی به آدرس WWW.NASSERTAGHVAI.COM از هفته آینده میسر خواهد شد.

انیمیشن

انیمیشن کوتاه «پیش از بهشت» به کارگردانی احمد حیدریان و تهیه کنندگی محدثه پیرهادی از تولیدات باشگاه فیلم سوره، برنده جایزه بهترین انیمیشن جشنواره کرکوک عراق شد. همچنین انیمیشن بلند «لوپتو» به کارگردانی عباس عسکری و انیمیشن کوتاه «بیا آشتی کنیم» به کارگردانی عبدالله علیمراد از دیگر تولیدات سازمان سینمایی سوره نیز در این جشنواره به نمایش درآمدند. انیمیشن کوتاه «پیش از بهشت»، پیش از این جایزه بهترین انیمیشن کوتاه جشنواره جهانی کن فرانسه و جایزه بهترین پویانمایی را در دو بخش نسل روایت و جهان بدون اسرائیل دریافت کرده بود. پنجمین دوره جشنواره کرکوک عراق در روزهای چهارم و پنجم ماه مارس برابر با ۱۳ و ۱۴ اسفند در کشور عراق برگزار شد. پخش بین‌الملل این انیمیشن‌ها به عهده مرکز بین‌الملل سوره است.

نقل قول

مرضیه برومند
کارگردان و بازیگر

تلاش می‌کنم بدون سیاست‌زدگی از بحران‌ها سربلند بیرون بیایم

خانه سینما میراث باقی مانده از هنرمندانی است که در سال‌های گذشته تلاش کردند و بحران‌های زیادی را پشت سر گذاشتند تا خانه سینما را حفظ کنند. من بله گفتم برای اینکه احساساتم بر عقلانیتم چیره و برنده شد، البته قول می‌دهم و تصمیم گرفته‌ام با همه مشکلاتی که پیش رو دارم و برنامه‌هایی که برای تحقق آنها باید آستین بالا بزنم و راه بیفتم، همه تلاشم را انجام دهم. تلاش می‌کنم تا بتوانم در آرامش و واقع گرایانه و بدون سیاست‌زدگی برنامه‌های هیأت مدیره خانه سینما و اصناف را اجرایی کنم. به خاطر خانه سینما و منافع بچه‌های سینما اهل تعامل و گفت‌وگو هستم و از همه نظرات استقبال می‌کنم./ **بخشی از صحبت‌های مدیرعامل جدید خانه سینما در مراسم تودیع و معارفه**

تفأل

موسیقی، هنر آن سوی‌تر(۱)

محسن نفر
آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

گفتیم تخیل عامل خلاقیت، ابتکار و اختراع انسان است، ولی مبدأ و منشأ آن، وجود و مظاهر آن است. اگر هستی و جلوات آن نباشد، تخیل تعطیل می‌ماند. واقعیت و وجود، منشأ فعالیت و تحریک تخیل است. هیچ ابتکار و خلاقیتی بی‌وجود وجود (هستی)، به وجود نمی‌آید. الگو و منشأ خلاقیت، وجود است. در همه هنرها این قابل تصور و تصدیق است و مناقشه‌ای در آن نیست. به بیان دیگر، هنر که از تقلید شروع می‌شود، چه را تقلید می‌کند؟ با این سؤال، بی‌تطویل در چون و چرا، می‌یابیم و تصدیق می‌کنیم که الگویی برای تقلید باید. بی‌الگو و نمونه، چگونه تقلید ممکن است و اصلاً می‌توان؟! تقلید یعنی پیروی و متابعت. پیروی یعنی چیزی را دنبال کردن و در دنبال آن بودن. اینجا دنبال کردن یعنی نعل بالنعل، نه یعنی جست‌وجو. یعنی دنبال الگو رفتن، نه دنبال الگو بودن. در دومی، تجسس، جست‌وجو و فعالیت مشاهده می‌شود ولی در اولی، انفعال و تأثر. مقلِّد، تحت تأثیر مُقلَد است! مقلِد، مُقلَد (الگو) را تقلید می‌کند. یعنی آن را تکرار می‌کند. پس در تقلید دو امر مهم و برجسته است: ۱- الگو و منشأ ۲- تکرار و پیروی. هنر۱- وجود (طبیعت...) و هستی را الگوی خود دارد و بی‌وجود آن، وجود نمی‌یابد۲- الگوی خود را تقلید و تکرار می‌کند ۳- پس هنر پیرو وجود و در تبعیت از آن است! حقیقت هنر، همین است که به شکوه و عظمت وجود درآید و این بی‌تأمل، درنگ و اندیشه در وجود، میسر نمی‌شود. خلاقیت در هنر۱- به تقلید هر چه بهتر و قوی‌تر از وجود ۲- و عرضه چیزی علاوه برآن گفته می شود، تا جایی که گاهی دومی، معنای منحصر هنر را تصاحب می‌کند. هنر، معادل به آن دانسته می‌شود و نوگویی و نوپویی، گوهر هنر به حساب می‌آید، اما مگر بی‌تقلید می‌توان نو گفت و نو جست؟! هیچ تولدی بی‌والدین، صورت نمی‌گیرد. هیچ خرقی بی‌عادت تحقق نمی‌شود؛ باید عادتی باشد تا خرق آن رخ دهد. پس قبل از اینکه خرقی رخ دهد، عادت وجود دارد و عادت، رفتار مکرر مُقلد است، یعنی الگویی هست که تکرار و تقلید می‌شود و مگر هنر، تاریخی غیر از این دارد؟! کدام زمینه ازهنر، تکرار و تقلید چیزی نیست؟! در چه نوعی از هنر، تکرار موضوعی و تقلید از آن صورت نگرفته؟! اولاً همه مواد و مصالح همه هنرها در وجود و هستی، وجود دارد. ثانیاً موضوعی درهمه آنها تکرار و تقلید می‌شود. در هنرهای تجسمی، رنگ‌ها و حجم‌ها. در هنرهای نمایشی، وقایع و رخدادها. در موسیقی، صداها و نواها. آیا موردی به غیر از موارد فوق می‌توان یافت که در هنرها باشد؟! همه موارد فوق عبارت است از تکرار و تقلید. اگر شما الگویی را تکرار کنید، آن را تقلید کرده‌اید. آیا به راستی تقلید به غیر تکرار است؟! پس ارسطو علیه الرحمه، به راستی و درستی، تقلید را جزو ذاتی هنر، دید و نمایاند اما هر قدر از وجود و هستی تقلید کنی، عین آن نمی‌شود. وجود، تکرارشدنی نیست. وجود، قابل تقلید نیست. ما و همه هنرمندان که جزو وجود هستیم و موجود، نمی توانیم آن را عین آن تقلید و تکرار کنیم. البته تقلید و تکرار می‌کنیم ولی عین آن نمی‌شود. هنر، همین تقلید و تکرار ما است از وجود و هستی. این سعی و تلاش ما، هنر است و هنر نام دارد، اما وجود نیست. هنر اگر می‌توانست عین وجود باشد، دیگر هنر نام نداشت. وجود، هنر انسان نیست. هنر خدا است و هنر، سعی انسان است برای تشبه به وجود و فرصتی است که خدا و خالق وجود، برای انسان جهت تشبهش به وجود، فراهم آورده است. وجود، تکرار و تقلید نمی‌شود، یک‌بار و تنها یک‌بار رخ می‌دهد، اما هنر، مشابهت با وجود است که به سبب نقص ذاتی‌اش، مکرراً تکرار می‌شود و تکامل در هنر یعنی سعی برای مشابهت بیشتر با وجود. چرا جذابیت، ذاتی هنر است؟! برای اینکه در ذات هنر، تشبه به عینیت خوابیده است. اگر سعی برای مشابهت بیشتر در هنر قرار دارد، به خاطر این است که وجود، الگوی آن است و می‌خواهد آن شود، بلکه با جسارت بیشتر، فراتر از آن.

تأمل

خار در چشم

حسام آبنوس
روزنامه نگار

آخر سال است و همه دنبال کارهای آن. یکی از اتفاقاتی که معمولاً آخر سال‌ها، افراد سراغش می‌روند انتخاب هدیه و هدیه دادن است. رسم شیرینی که می‌تواند دوستی‌ها را محکم و کدورت‌ها را برطرف کند و خاطره خوبی به‌جا بگذارد. در این بین تعدادی از افراد برای هدیه دادن دست روی گزینه «کتاب» می‌گذارند. ناشران و کتابفروشان هم با علم به اینکه گروهی چنین گزینه‌هایی را برای هدیه دادن انتخاب می‌کنند، تخفیف‌هایی در نظر می‌گیرند تا بتوانند سهمی از بازار شب عید داشته باشند و کتاب‌ها را روانه خانه‌های مردم کنند؛ حرکتی که در نوع خود جای تقدیر دارد و چه بهتر که به آن ضریب هم بدهیم.

اما من در این آخرین یادداشت سال ۱۴۰۱ نمی‌خواهم درباره رسم هدیه دادن حرفی بزنم. بلکه هدفم این است که درباره «انتخاب» حرف بزنم. از من اگر بپرسید می‌گویم سخت‌ترین هدیه‌ای که می‌شود برای یک نفر انتخاب کرد کتاب است! شاید با خودتان بگویید اینکه سختی ندارد؛ کافی است میزان مبلغی که برای هدیه در نظر گرفته‌اید را مشخص کنید، وارد یکی از کتابفروشی‌ها شوید و دنبال گزینه نزدیک به بودجه مدنظرتان بروید و با کمی سختگیری که آیا فرد مورد نظر چنین کتابی دارد یا نه و ممکن است از آن خوشش بیاید یا خیر، یک گزینه انتخاب کنید. ضمناً می‌توانید روی پیشنهادهای تکراری و اغلب شخصی کتابفروش‌ها هم حساب کنید و با لبی خندان از کتابفروشی خارج شوید.
همینجا دست نگه دارید! قبل از اینکه بخواهید به کتاب فکر کنید بیایید با هم یک چیزی را مرور کنیم.
کسی که قرار است به او هدیه بدهیم را چقدر می‌شناسیم؟ سنش چقدر است؟ میزان صمیمیت ما با او چقدر است؟ اسم چندتا از کتاب‌هایی که خوانده را می‌دانیم؟ از موجودی کتابخانه‌اش با خبریم؟ تا به حال پیش آمده با آن فرد درباره کتاب‌ها گپ بزنیم تا ببینیم حس و حالش درباره کتاب‌ها چیست؟ اصلاً چقدر او را مشغول مطالعه دیده‌ایم؟ و سؤالی که شاید از همه سؤالات مهم‌تر باشد این است که اصلاً آن فرد کتابخوان است؟
دامنه این سؤالات را می‌توان بیشتر از این باز کرد و وارد جزئیاتی شد که شاید با آن تصور اولیه ما فاصله داشته باشد. وقتی خوب به این سؤالات فکر کنیم ممکن است سراغ یک «ماگ»، دفترچه یادداشت یا خودنویس برویم و بی‌خیال خرید کتاب شویم. اتفاقاً من هم موافقم که این کار را بکنیم. اصلاً کتاب هدیه دادن کار راحتی نیست و بهتر است خیلی دم‌دستی به آن نگاه نکنیم.
به نظرم چیزی غم‌انگیزتر از اینکه کتابی بخریم ولی هیچ‌وقت خوانده نشود، وجود ندارد؛ کتابی که گوشه کتابخانه یا روی میز یا بدتر، داخل کمد زیر وسایل فراموش شده، بماند و مثل آینه‌دق پیش چشم هدیه‌گیرنده بنشیند. پس حالا که داریم به روزهای آخر سال نزدیک می‌شویم بهتر است عاقلانه و با چشم باز انتخاب کنیم.
قرار است هدیه بدهیم نه چیزی در مایه‌های خار در چشم!

پیشنهاد

گشودن یک کلاف سردرگم

حمید ناصری
منتقد

پس از جنگ دو کره در دهه ۱۹۵۰ و متعاقب آن دو پاره شدن این جزیره به دو کشور کره شمالی و جنوبی، قرابت‌های فرهنگی مردمان این سرزمین گه‌گاه پا را از سیاست‌های خصمانه سران دو کشور فراتر می‌گذارد و «ریو سئونگ-وان» یکی از کارگردان‌های سینمای کره‌جنوبی که پیش از این در فیلم «پرونده برلین» سعی کرده بود این تقابل را به‌تصویر بکشد، حال در سال ۲۰۲۱ با فیلم «فرار از موگادیشو» در جغرافیایی دیگر این تقابل را به‌تصویر می‌کشد. در جریان شورش‌های مخالفان دولت در سومالی به‌سال ۱۹۹۰، کارکنان سفارت‌های کشورهای مختلف سعی دارند هر چه سریع‌تر به کشور خود بازگردند و در این میان سفارت دو کشور کره‌شمالی و کره‌جنوبی نیز سعی دارند هر چه سریع‌تر مسیر خروج از سومالی و شهر موگادیشو را بیابند، اما مشکل اینجاست که این دو کشور در آن سال‌ها چندان روابط دیپلماتیک قدرتمندی با دیگر کشورها نداشتند و به‌همین سبب به‌یکباره در میان آتش شورش و کشتار عصیان‌گران سومالیایی گرفتار می‌شوند. این فیلم از آن دست فیلم‌هایی است که به هیچ عنوان افتتاحیه خوبی ندارد؛ به این صورت که مخاطب در چند سکانس ابتدایی نوعی پراکندگی در روایت را شاهد است. گویی کارگردان سعی دارد بهترین مسیر را برای ورود به روایت اصلی خود پیدا کند. این کلاف سردرگم اما به‌مرور راه خود را پیدا می‌کند و بیشتر از این دچار گره کور نمی‌شود. کارگردان خلاقیت خود را در پرده دوم رو می‌کند و باعث می‌شود مخاطب دلسرد شده دوباره در مسیر تماشای فیلم قرار بگیرد.

تصاویری که از اثرات شورش و کشتار شهروندان در فیلم به‌نمایش گذاشته می‌شود برشی از واقعیت و تلخی جنگی است که سوزان سانتاگ از آن می‌گوید. در این فیلم سوژه‌ها شهروندان دو کره هستند و ابژه‌های اثرگذار جنازه‌های تلنبار شده روی هم در خیابان‌های موگادیشو هستند، اما کارگردان سعی ندارد خود را در مسیر شعارزدگی قرار دهد. برای او روایت و موقعیت‌های دراماتیک آن بیش از شعار وحدت بین مردمان دو کره مهم است. این فیلم یک بستر روایتی دارد و هر گونه تخطی از آن باعث برهم خوردن تعادل آن می‌شود. پس سعی می‌کند کاراکترهای خود را در موقعیتی که سعی کرده از ابتدای فیلم مقدمات آن را فراهم کند، در کنار یکدیگر قرار دهد. در نتیجه می‌توان به عدم تمرکز کارگردان روی روایت و زاویه‌دیدی که این داستان را با آن روایت می‌کند اشاره کرد و در عین حال از آن چشم پوشاند، چون مخاطب عام این نوع سینما چندان توجهی به تاریخ‌نگاری حوادث ندارد و تنها چیزی که از کارگردان یک اثر هیجان‌انگیز انتظار دارد ایجاد موقعیت‌هایی شوکه‌کننده است که این فیلم به‌راحتی آنها را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد. در نهایت باید گفت که فیلم «فرار از موگادیشو» یک اثر خوب در ژانر هیجان‌انگیز است که می‌تواند مخاطب عام خود را سرگرم کند.

تلنگر

امیرعباس میرزاخانی
کارشناس مسائل اجتماعی

چهارشنبه‌پایان‌سال‌ومدیریت‌هیجانات

چند سالی است که کشف مواد محترقه، بروز حادثه در هنگام ساخت ترقه و... پای ثابت اخبار رسانه‌ها در ماه آخر سال است. هر چه به روزهای پایانی سال نزدیک می‌شویم، اخبار هم بیشتر و تلخ‌تر می‌شود، اما همواره رفتار رسانه‌ها به این صورت بوده که اخبار تلخ را آن هم در روزهای منتهی به چهارشنبه‌سوری منتشر می‌کنند و یک کارزار رسانه‌ای برای پیشگیری از حوادث رفتار پرخطر در چهارشنبه‌سوری به راه نمی‌افتد. با وجود اینکه در سال‌های اخیر اقدام‌های بازدارنده گوناگونی در قالب آموزش و فعالیت‌های فرهنگی از سوی سازمان‌های مسئول اعمال شده است، اما همچنان هراس خاصی در این شب وجود دارد. هیجان‌های این شب و فعالیت‌هایی همچون آتش‌بازی‌ها باعث شده تا هر ساله در بین نوجوانان و جوانان شاهد بروز برخی آسیب‌ها همچون سوختگی، قطع عضو، سقط جنین و... باشیم. اغلب جوانان به دلیل هیجان‌خواهی و قدرت ریسک‌پذیری، برخی مشکلات برایشان بروز می‌کند. این افراد بیشتر با اشخاص همسن و سال خود در ارتباط هستند و این امر باعث بروز، تشدید و تشویق انجام رفتارهای پرخطر می‌شود. باید توجه داشت که برخی از این هشدارها برای جوانان بازدارنده نیست، به همین دلیل لازم است با ایجاد روند بازدارندگی در شرایط، برای آنها زمینه اندیشیدن درباره مسائل را فراهم کرد. در این شیوه خانواده‌ها هم باید با فرزندانشان همفکری کرده و به ارائه راه‌حل‌های مختلف بپردازند و به این ترتیب بتوانند برخی اقدام‌های جایگزین را برای گذراندن شرایط هیجانی اعمال کنند. در این اقدام نیز باید برخی وسایل بی‌خطر یا کم‌خطر را برای این شب در اختیار کودکان و نوجوانان قرار داد. در ضمن خطر ریسک‌پذیری سن و سال نمی‌شناسد، بلکه در هر سنی احتمال بروز ریسک وجود دارد. خصوصیات شخصیتی در میزان ریسک‌پذیری افراد تأثیر دارد. برای مثال برخی از افراد حتی در سنین بالا نیز به دلیل قدرت ریسک‌پذیری گاهی در فاز خاصی از جریان‌های خلقی قرار می‌گیرند. در این شرایط افراد تحریک می‌شوند، پس با این تفاسیر فقط نباید به نوجوانان و جوانان درباره خطر ریسک‌پذیری تذکر داد، بلکه احتمال بروز این رفتارها در هر سنی وجود دارد. چهارشنبه آخر سال برای بزرگ‌ترها به معنی آتش روشن کردن بود و پریدن از روی آن، اما این روزها آتش واقعی جای خودش را به فشفشه و منور داده است. قدیمی‌ترها از قاشق‌زنی در شب چهارشنبه‌سوری می‌گویند؛ قاشق‌زنی رسمی بود که در آن همه با رفتن به در منازل همسایه‌ها و هم محلی‌ها عید را با هم جشن می‌گرفتند، اما این در کنار هم بودن هم تبدیل به ترقه‌بازی و پرتاب نارنجک شده که جز سردرد و ایجاد مزاحمت دستاوردی برای کسی ندارد. چهارشنبه‌سوری خیلی وقت است که در شهرهای ما از حالت جشن خارج شده و به جنگ شهری تبدیل شده است. جنگی که مثل همه جنگ‌های واقعی تعداد زیادی زخمی و حتی کشته دارد. صدای توپ و ترقه می‌آید. همه کوچه بوی باروت و دود می‌دهد. اگر منصفانه به مسأله نگاه کنیم، دستگاه‌های انتظامی، اجتماعی، امدادی، درمانی، قضایی و... همه‌ساله اقدام به اطلاع‌رسانی عمومی در زمینه خطرات و همچنین برخورد با متخلفان و مجرمان عرضه واردات، ساخت و توزیع یا فروش وسایل انفجاری موردنظر می‌کنند، در عین حال چون تقاضای جامعه بالاست و متأسفانه چرخه تولید، واردات و مصرف کماکان فعال است، این چرخه زمانی خواهد شکست و اقبال جوانان و نوجوانان زمانی کاهش خواهد یافت که در کنار تصمیمات سلبی و قهری، راهکارهای ایجابی ارائه و اجرا شود. دقیقاً همانند رسم‌هایی که در اکثر کشورها (مانند جشن پاشیدن پودر رنگ در هندوستان، جشن برداشت گندم در چین، جشن پنیر در دانمارک و...) به صورت سالانه و در جهت تخلیه هیجانات مردم، بدون هیچ‌گونه صدمات جانی و خسارت مادی صورت می‌پذیرد.

> قدیمی‌ترها از قاشق‌زنی در شب چهارشنبه‌سوری می‌گویند؛ قاشق‌زنی رسمی بود که در آن همه با رفتن به در منازل همسایه‌ها و هم‌محلی‌ها عید را با هم‌جشن می‌گرفتند، اما این در کنار هم بودن هم‌تبدیل به ترقه‌بازی و پرتاب نارنجک شده که جز سردرد و ایجاد مزاحمت دستاوردی برای کسی ندارد

عکس نوشت

باغ‌های زیبا و طبیعت از گذشته‌های دور تا به امروز سوژه مورد علاقه هنرمندان بوده‌اند، آنچنان که گشتی گذرا میان تابلوهای نصب شده به دیوار گالری‌ها و موزه‌های مطرح جهان کافی است تا با انواعی از نقاشی‌های اینچنینی روبه‌رو شویم. یکی از مشهورترین‌های این تابلوها «اتاق باغ» کاری از «آرتور واسه» هنرمند انگلیسی تبار است. او که شیفته مناظر طبیعی جنوب آلمان شده بود، دوره قابل توجهی از دوران فعالیتش را در «رتنبورگ» سپری کرد و چندین نقاشی از محیط زیبای آن منطقه خلق کرد./ **ایسنا**